



## بررسی تناوب‌های جدید در نامگذاری کودکان ایرانی بر اساس رویکرد نشانه‌ای

شادی شاه ناصری<sup>۱</sup>

### چکیده

در این مقاله، تناوب‌های جدید در نامگذاری کودکان جامعه نمونه تحقیق بر اساس رویکرد نشانه‌ای کنستاکیز (۲۰۱۰) بررسی می‌شود. به این منظور، ۱۲۰۰ نام از طریق تجربه میدانی مشاهده گرد انتخاب شد و تحلیل داده‌ها با لحاظ متغیر اجتماعی جنسیت به شیوه خوانش تفسیری صورت پذیرفت. نتایج تحقیق بیانگر آن است که گرایش به فردگرایی در جامعه معاصر ایران با انتخاب نام‌های نوظهور و تیره برای کودکان ایرانی همخوانی دارد. زایایی تناوب احیاء شده «الف تانیث فارسی باستان»، جایگزینی حروف، انطباق نام‌های عربی با رسم الخط فارسی، قرض‌گیری واژگانی از زبان‌های غیرعربی، دگردیسی در نام‌های ترکیبی و گرایش به نام‌سازی‌های نامتعارف مؤید تنزل الزام وفاداری نسبت به الزام پیش‌رونده نشاننداری در حوزه نامگذاری کودک محسوب می‌شود. استفاده از الگوهای فوق در جهت مدرن‌سازی نام منطبق بر الگوی جامعه در حال‌گذار است که در نهایت، به نمایش هویت انحصاری و متفاوت فرد در جامعه خواهد انجامید.

**کلیدواژه‌ها:** نام‌شناسی کودک، رویکرد نشانه‌ای، ریشه‌شناسی نام، جنسیت، هویت اجتماعی

## مقدمه

نام‌شناسی<sup>۱</sup> در حوزه‌های مختلفی از علوم همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. باستان‌شناسان، شواهد مهمی از تمدن‌های گذشته را از نام‌ها استخراج کرده‌اند. مورخان، رد پای حوادث و وقایع تاریخی، سکنی‌گزینی بشر اولیه و الگوی مهاجرت را در نام‌ها دنبال می‌کنند. مردم‌شناسان با مطالعه نام‌ها به شواهدی محکم برای شکل‌گیری جوامع بشری و ساختارهای بدوی اجتماع رسیده‌اند. جامعه‌شناسی نیز بخشی از مدارک مستدل برای تبیین تغییر و تحولات اجتماعی را از نام‌ها به دست می‌آورد همان‌طور که زبان‌شناسی از طریق مطالعه نام‌ها به شواهدی از زبان‌های مرده، رو به انقراض و البته پیش‌بینی گونه‌های جدید زبانی می‌پردازد.

امروزه با گسترش حوزه‌های میان‌رشته‌ای، مطالعات در حوزه نام‌شناسی نیز به لحاظ نظری و کاربردی تحول اساسی پیدا کرده و یافته‌ها از جامعیت بیشتری برخوردار شده است. آلگو<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) اعتقاد دارد نخستین مطالعات در حوزه نام‌شناسی زبانی در شاخه زبان‌شناسی تاریخی با هدف پیدا کردن ریشه نام – ریشه‌شناسی<sup>۳</sup> – انجام شده است سپس در پایان قرن بیستم، تخصصی‌تر شده و به دیگر شاخه‌های زبانی راه یافته است. چمبرز<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) نام‌شناسی را مطالعه «گروه اسمی یا یک اسم خاص» تعریف کرده و فهرستی از انواع اسم خاص یا به تعبیر دقیق‌تر، «نام» ارائه می‌کند. این فهرست طویل شامل بررسی نام، نام خانوادگی، لقب، نام مکان، نام محصولات تجاری، عنوان همایش‌ها، نام شهرها، کشورها و راه‌های ارتباطی و هر اسم خاص دیگر است.

گورکیس و گلد استون<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) این دسته‌بندی را محدود کرده و مطالعه انواع نام را در دو شاخه جای-نام<sup>۶</sup> و شخص-نام<sup>۷</sup> تثبیت می‌کنند. به اعتقاد این دو، نظر به اهمیت حوزه نام‌شناسی، دغدغه نام‌شناسان زبانی باید فراتر از پیدا کردن ریشه نام‌ها باشد. امروزه در جامعه‌شناسی زبان، نام‌شناسی برای بررسی رابطه زبان و فرهنگ اجتماعی مطالعه می‌شود. این حوزه میان‌رشته‌ای به دو پرسش اساسی در این رابطه پاسخ می‌دهد: نام‌ها چگونه تغییر و تحولات زبانی را نشان می‌دهند؟ و چرا برخی نام‌ها ماندگار می‌شوند، برخی اقبال موقتی دارند و برخی دیگر به سرعت از دایره واژگانی اعضای یک جامعه زبانی زدوده می‌شوند؟

## بیان مسأله

در جامعه ایران، نامگذاری کودکان عمدتاً بر اساس باورهای فرهنگی و عرف حاکم بر جامعه صورت گرفته است؛ چنان‌که در دوره اساطیری، انتخاب نام‌های حماسی مانند رستم، افراسیاب، سهراب، سیاوش و گُرد

- 
1. onomastics or onomatology
  2. J. Algeo
  3. etymology
  4. J. K. Chambers
  5. T. M. Gureckis & R. L. Goldstone
  6. place names or toponymy
  7. person name or anthroponomy

آفرید مرسوم بوده است. سنت دیگر، زمان نامگذاری بوده که به فاصله تولد کودک انجام نمی‌شده بلکه هنگامی که فرزند به سن ازدواج می‌رسیده است بر او نام می‌گذاشتند. این سنت البته در حوزه «نشانه شناسی» نام بررسی می‌شود. ربیعی (۱۳۸۰) با بررسی گرایش‌های حاکم در زمان گرویدن ایرانیان به اسلام، یکی از گرایش‌های مردان ایرانی را انتخاب نام‌های مذهبی به خصوص نام پیامبر اسلام و ائمه اطهار برای فرزندان‌شان پس از تولد عنوان می‌کند. در احادیث و روایات اسلامی همواره بر انتخاب نام نیکو، پسندیده و شایسته انسانی تأکید شده است و آن را اولین حق فرزند بر پدر عنوان کرده‌اند. بنابراین با تغییر دوره اجتماعی در سنت نامگذاری ایرانیان تحولی اساسی روی داده است. چنین نگرشی مؤید آن است که نام در ادوار مختلف اجتماعی ایران، صرفاً ابزار خطاب تلقی نمی‌شده بلکه انعکاسی از علایق و باورهای فرهنگی - اجتماعی بوده است. آنچه که در قانون ثبت احوال مقرر بر ماده بیست آمده حق انتخاب نام فرزند را برای والدین به رسمیت می‌شناسد. اما از سال ۱۳۷۰ با شروع مهندسی فرهنگ نام و نام نویسی علی‌رغم میل والدین گذاشتن برخی نام‌ها که بعضاً سبقه بومی داشت مانند دختر بس، کفتگر، زیادتی، شفتالو و گرگ آقا ممنوع اعلام شد.

مطالعات غربی در حوزه نام شناسی، بیشتر معطوف به جنبه زبانی نام‌ها بوده است. اما کوتز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) با مطالعه مجموعه‌ای از نام‌های انگلیسی، زوایای مختلفی از مشخصه‌های زبان شناختی، روان شناختی، معانی فولکلوریک و نقش‌های اجتماعی نام‌ها را واکاوی کرده است. فرایر و لویت<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) نیز در پژوهش مبسوطی هویت اجتماعی سیاه پوستان آمریکا را با بررسی مردم شناختی نام و نام خانوادگی آنها مطالعه کرده‌اند. در ایران نیز آن طور که بخشوده (۱۳۷۹) ذکر می‌کند ایمانی در سال ۱۳۶۳ نخستین کسی است که به معرفی حوزه نام‌شناسی و کلیات و مبانی نظری نام‌گذاری پرداخته است. اما از تحقیقات کاربردی می‌توان به کارهای میرخلیل زاده ارشادی (۱۳۷۲)، عبدی (۱۳۷۶)، رجب زاده (۱۳۷۸)، بخشوده (۱۳۷۹)، طیب و علی نژاد (۱۳۸۲)، نجاتی حسینی و افشار (۱۳۸۸) و منصورى (۱۳۸۹) اشاره کرد که به ارائه تحلیل‌هایی درحیطه نام‌گذاری بر حسب مقوله‌بندی موضوعی نام، درصد فراوانی نام‌ها بر حسب متغیرهای جنسیت، طبقه اجتماعی، منطقه جغرافیایی، ارزش‌گذاری فرهنگی نام و همین طور تحلیل زبانی نام‌ها در سطوح مختلف آوایی، صرفی و معنایی پرداخته‌اند. اما تحقیق حاضر بر آن است تا نخست، امکانات زبانی در ساخت نام‌های نوظهور<sup>۳</sup> را شناسایی و توصیف کند سپس نام‌های نمونه را در چارچوب نظری جامعه شناختی زبانی کستاکیز<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) تحلیل کند و در نهایت به این پرسش پاسخ دهد که چگونه هنجارهای اجتماعی جامعه امروز ایران در نام‌های نوظهور یا به تعبیری، مدرن نمود زبانی می‌یابد؟ در این راستا از تحقیقات پیشین برای مقایسه تطبیقی در تحلیل داده‌ها به فراخور بحث استفاده خواهد شد.

1. R. Coates
2. R. Fryer & S. Levitt
3. innovative names
4. A. Kostakis

## بنیان نظری

نظریه نشانه‌ای یا برون‌داد- برون‌داد<sup>۱</sup> کستاکیز (۲۰۱۰) برگرفته از رویکرد تناوب گرای لباو<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) است. کستاکیز همچون لباو با اتخاذ نگرش ضد حوزه‌ای<sup>۳</sup> به زبان نه تنها به تأثیر تنوعات اجتماعی از قبیل جنسیت، طبقه اجتماعی و سن بر برون‌داد زبانی گویشوران یک جامعه زبانی اذعان می‌کند بلکه کلیت اجتماعی یا به تعبیری، شاکله اجتماع را نیز اثرگذار می‌داند. در این انگاره، تغییر در زبان به تبع کاربردی شدن تناوب‌های انگیخته<sup>۴</sup> بالقوه یا در حاشیه زبانی است که در گذار از جامعه بسته به جامعه باز از عمق به سطح می‌آید و نمود زبانی صریح نشان می‌دهد ولی آنچه که نمونه اعلی یک تغییر زبانی تلقی می‌شود؛ صرفاً کاربردی شدن یک تناوب انگیخته نیست بلکه تثبیت تناوب‌های پایدار بلند مدت<sup>۵</sup> است بنابراین انتخاب‌های زبانی از پیش موجود بر حسب تغییر در نوع جامعه - پیوستاری از جامعه بسته سنتی، جامعه در حال گذار شبه مدرن و جامعه باز مدرن - انگیخته، تثبیت یا تخریب می‌شود. در جامعه باز، تنزل<sup>۶</sup> الزام وفاداری<sup>۷</sup> به انگیختگی الزام نشاننداری<sup>۸</sup> منجر می‌شود. کستاکیز (۲۰۱۰) به قیاس از ترکیب پایه با وند در کلمه، هر فرد انسانی را به مثابه پایه‌ای در نظر می‌گیرد که هنجارهای غالب در اجتماع به هویت اجتماعی او پیوند می‌خورد. کستاکیز (۲۰۱۰): ۲۴۹۳ می‌آورد: در جوامعی که انگاره‌های فرهنگ اجتماعی در شرف تغییر است اولین واکنش زبان آشکارا در حوزه واژگان خواهد بود. کلمات و عبارات یا الگوی واژه‌سازی با کاربری کم در گذشته در قالب تناوب‌های نشاندار، انگیخته در صورت اقبال زبانی قاعده‌مند شده تسری می‌یابند. الگوی واژه‌سازی انگیخته یا کلمات کم بسامد سابق در صورت پذیرش جمعی می‌تواند خود به یکسنت یا بدعت زبانی تبدیل شود و به این شکل، همگرایی جامعه با تناوب زبانی و در نهایت تغییر در بخشی از زبان یا کلیت آن ایجاد می‌شود. در تقابل تناوب‌های قدیم و جدید، دو الزام وفاداری و نشاننداری در مقابل هم عمل می‌کنند.

به اعتقاد کستاکیز (۲۰۱۰) جوامع بسته به سنت‌های زبانی - اجتماعی خود وفادار می‌مانند. در حالی که در جوامع باز، هنجارهای غالب اجتماعی و زبانی تعدیل و یا بازتعریف می‌شود. در صورت عملکرد الزام وفاداری، الگوهای زبانی، شفاف و در صورت تفوق الزام نشاننداری، غالباً تیره هستند. نخستین بار، اولمان<sup>۹</sup> (۱۹۶۲) شفافیت و تیرگی واژگانی<sup>۱۰</sup> را در حوزه صرف مطرح کرد و سپس در دیگر حوزه‌های زبانی نیز به کار آمد. کستاکیز (۲۰۱۰) کارایی مدل خود را بر دو تناوب آوایی نشان داد. نظر به اینکه این مدل، قابلیت تعمیم بر دو

1. output- out put theory
2. W. Labov variationalist approach
3. anti modular
4. motivated
5. long- term stable variation
6. demotion
7. faithfulness constraint
8. markedness constraint
9. S. Ullmann
10. lexical transparency and opacity

حوزه زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی را توأم دارا است و رویکردی کاربردی در مطالعات جامعه‌شناختی زبان محسوب می‌شود در این تحقیق به عنوان چارچوب نظری مناسب برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

### روش پژوهش

روش پژوهش در قوم‌نگاری ارتباط عمده‌تاً بر خوانش تفسیری داده‌ها استوار است (هایمز، ۱۹۷۴؛ جانستن، ۱۳۹۱). این روش در مطالعات کیفی جامعه‌شناسی زبان نیز کاربرد دارد. داده‌های جامعه‌نمونه این تحقیق به شیوه تجربه‌میدانی مشاهده‌گر جمع‌آوری و با لحاظ متغیر جنسیت به دو دسته نام دختران و پسران تفکیک شد. به تصریح جانستن (۱۳۹۱) غایت خوانش تفسیری «مطلع‌سازی نهایی»<sup>۳</sup> است به این معنی که داده‌های زبانی برای استخراج بسامد وقوع و ترسیم درصد فراوانی بررسی نمی‌شود بلکه به صورت غیرتصادفی جمع‌آوری و برای نمود چستی زبانی و چرایی جامعه‌شناختی پدیده تحلیل کیفی می‌شود. در این تحقیق ۱۲۰۰ اسم کوچک که در تقابل با نام خانوادگی، نام نامیده شده با متغیر گرفتن متغیر جنسیت و ثابت نگه‌داشتن متغیرهای دیگر مانند سن، طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات والدین از کلان‌شهرهای اصفهان، تهران و شیراز در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ جمع‌آوری شد. داده‌های والدین دو زبانه از جامعه نمونه خارج و در تحلیل منظور نشد. بنابراین والدین جامعه نمونه، افراد یک زبانه بودند و با هیچ یک از زبان‌های رایج در ایران نیز آشنایی نداشتند. نجاتی حسینی و افشار (۱۳۸۸) در پژوهشی جامعه‌شناختی از گرایش جامعه‌نمونه خود پس از دوره اصلاحات به سمت انتخاب نام‌های ایرانی اصیل و غربی خبر داده اما این گرایش را نامحسوس عنوان کردند سپس در مقایسه با نام‌های رایج در دوره جنگ، نتایج حاصل از تحقیق خود را به کل جامعه ایران تعمیم دادند. تحقیق حاضر بر آن است تا نمود تأثیر جامعه معاصر ایران را بر حوزه نام‌گذاری کودکان نمونه در چارچوب نظری کستاکیز (۲۰۱۰) بررسی کند.

### تحلیل داده‌ها

آنچه در تحقیقات پیشین بر آن اتفاق نظر است بسامد وقوع بالای نام‌های تثبیت شده عربی و مذهبی مانند فاطمه و علی و غیرمذهبی مانند عاطفه و حمید می‌باشد چنان‌که علی نژاد و طیب (۱۳۸۲) تنوع نام‌های عربی و مذهبی را در پسران و دختران جامعه نمونه خود در سال ۱۳۷۷ به ترتیب ۵۹/۴٪ و ۴۸٪ عنوان کردند و در همان مقطع زمانی، تنوع نام‌های فارسی و غیرمذهبی را به ترتیب ۰٪ و ۷/۱۲٪ گزارش کرده‌اند. به عبارتی؛ الگوی نام‌گذاری در هر دو گروه دختر و پسر مبتنی بر «نام‌یابی» از میان نام‌های متعارف مانند فاطمه، زهرا، مریم، مهسا، پریسا و سحر بوده است. از آنجا که در این جستار، هدف شناسایی امکانات جدید

1. D. Hymes
2. B. Johnstone
3. debriefing

زبانی در «نام‌سازی» والدین برای کودکانشان است. ابتدا ماهیت زبانی نام‌های جامعه نمونه به تفکیک جنسیت بررسی خواهد شد. نخست به نمونه‌های زیر توجه کنید:

گیلدا (م: طلا، ر: ارمنی) - فلامک (م: نوعی الماس، ر: هلندی) - شایلی (م: بی همتا، ر: ترکی) - رایکا (م: محبوب، ر: مازنی) - هانا (م: نا امید، ر: کردی) - باروشه (م: بادبزین، ر: کردی) - فوژان (م: فریاد، ر: کردی) - ریتا (اسم خاص، ر: یونانی) - تادیا (اسم خاص، ر: فرانسوی) - میچکا (م: گنجشک تنها - ر: گیلکی)

این نام‌ها به صورت معمول در دایره واژگان معمول و متعارف یک‌گوشور فارسی زبان موجودیت همزمانی ندارد لذا به لحاظ صورت آوایی، معنایی و ریشه شناختی تیره تلقی می‌شود به خصوص آنکه در گنجینه نام‌گزینی زبان فارسی برای مفهوم «بی همتا» تناوب از پیش موجود بیتا و برای مفهوم «محبوب» تناوب محبویه از پیش موجود بوده و کاربرد داشته است. از طرفی، نام‌های گیلدا، شایلی و رایکا به سبب تداعی معانی گران‌بها، منحصر به فرد و ارزشمند به لحاظ معنایی بار مثبت دارد. بنابراین اگرچه به لحاظ صوری غیرمعمول است اما به لحاظ معنایی با تأکید اسلام بر گذاشتن نام با معنای نیکو منافات ندارد - نام باید باعث فخر انسان باشد و نه مایه تحقیر او - اما نام‌های هانا (نا امید)، باروشه (بادبزین)، فوژان (فریاد)، میچکا (گنجشک تنها)، ماتیسا (ماه تنها) و... که در جامعه نمونه کم نبودند فاقد معنای متداعی مثبت و زیبایی شناختی تلقی می‌شود.

بدیهی است تناوب نام بیتا قابلیت جایگزینی با شایلی را دارد اما بادبزین نمی‌تواند جایگزینی برای نام دخترانه باروشه باشد. امید نامی با معنای متداعی مثبت و شفافیت صوری - معنایی برای پسران بوده اما ناامیدی که بر طبق آموزه‌های شریعت اسلام، شرک محسوب می‌شود نه در نام‌های دخترانه و نه پسرانه تا پیش از سال ۸۹ نمود زبانی نداشته است. لذا چنین نام گذاری می‌تواند بیانگر توجه صرف نامگذار به صورت نوظهور نام تلقی شود.

غالب‌ترین الگوی نام‌سازی در جامعه نمونه تحقیق در نام‌هایی با افزوده پایانی «-ا» مشاهده شد. نخست به نمونه‌های زیر توجه کنید:

حدیثه ← حدیث - حوریه ← حوری

هانیه ← هانی ← هانیا

حسیبه ← حسیبا - سارینه ← سارینا

آپامه ← آپاما

مانی ← مانا ← مانیا

مبین ← مبینا - عرفان ← عرفانا

شادی ← شادیا - مهدیس ← مهدیسا

لیانا (بانوی درخشان) - هیما (بانوی عشق) - آرشیدا (دختر آریایی درخشان) - آرنیکا (دختر نیک ایرانی)

۱. در این پژوهش، «م» و «ر» به اختصار معادل معنی و ریشه محسوب می‌شود.

غالب نمونه‌های فوق برخلاف نمونه‌های اول اگرچه به لحاظ معنایی، شفاف هستند اما به لحاظ صورت در داده‌های قبل از سال ۷۷ دیده نمی‌شوند. یکی از شیوه‌های معمول نام‌سازی برای دختران در کلمات عربی افزودن «ه» غیر ملفوظ عربی به انتهای نام پسر است که بنا به اظهار طیب و علی نژاد (۸۲) در بیست نام اول انتخابی والدین در سال ۷۷ مشهود بوده است (مانده، فائزه، محدثه، ریحانه) این در حالی است که در جامعه نمونه این نام‌ها و نام‌های مشابه قدیم مانند سعیده، منصوره، وحیده، عادلّه و فریده به لحاظ شیوه ساخت مشاهده نشد. با لحاظ نمونه‌های حدیث، حوری و هانی به نظر می‌آید استفاده از این الگوی نام‌سازی برای دختران آن‌چنان‌که در گذشته معمول بوده است امروزه معمول نباشد. نمود نادرست این حذف در نام *آپامه* مشهود است. نام خاص با ریشه فارسی که به قیاس با نام‌های عربی مختوم به «ه» به تناوب جدید الف تانیث فارسی باستان تبدیل شده است. از این رو، حذف ه غیرملفوظ عربی یا جایگزینی با الف تانیث فارسی باستان دو تناوب جدید کاربردی در الگوی نام‌سازی دختران جامعه تحقیق تلقی می‌شود. تناوب الف تانیث چنان محبوبیت کاربردی پیدا کرده است که به ریشه کلمات عربی نیز مانند *حسیب*، *مبین* و *عرفان* نیز افزوده می‌شود فارغ از آنکه در زبان عربی تنها *حسیبه* و *هانیه* نام‌های دخترانه تلقی می‌شود و نه تناوب فارسی رایجشان. الف تانیث ساز به‌طور مشخص در صورت ساختوازی نام‌های *لیانا*، *هیما*، *آرشیدا* و *آرنیکا* بر مونت بودن نام‌های مذکور دلالت می‌کند اما *شادی* و *مهدیس* همواره دو نام دخترانه در زبان فارسی محسوب می‌شده است. به نظر می‌آید ساخت نام‌های ابتکاری مانند *شادیا* و *مهدیسا* به قیاس از *کیانا* و *سروشابه* سبب احیاء افزوده الف تانیث فارسی و اقبال از این تناوب جدید باشد. زایایی تناوب الف تانیث منجر به انگیختگی پسوند «الف نسبت» نیز شده است. *گلیا*، *پریا*، *بارانا* و *سامینا* نمونه‌هایی از این دست به شمار می‌رود.

علاقه وافر والدین به انتخاب نام‌های متفاوت و منحصر به فرد تنها به احیاء الف تانیث فارسی باستان ختم نشده است. مدرن‌سازی نام از طریق تناوب‌های حرفی و انطباق نام‌های عربی با الفبای فارسی در نمونه‌های زیر مشهود است:

پردیس ← فردیس - پرنیان ← فرنیان - پرستو ← فرستو - ژیلا ← جیلا - سمیرا ← سامیرا - فاطمه ← فاطیما - بشری ← بشرا - حسنی ← حسنا

تناوب‌های جدید *فرنیان*، *جیلا*، *سامیرا* و *فاطمیما* به تبع ساخت جفت کمینه و درج ایجاد شده است تا نام‌های تثبیت شده *پرنیان*، *ژیلا*، *پرندیس* را با تقابل یک حرف و نام‌های *سامیرا* و *فاطمیما* را با درج‌شاندار و به روز کند. بدیهی است گستره این تناوب بسیار کمتر از تناوب الف تانیث فارسی باستان باشد زیرا این تقابل، نام جدید را تیره نمی‌کند بلکه متفاوت نشان می‌دهد. نام‌های *حسنا*، *هدا* و *بشرا* اگرچه در مقایسه با نام‌های *رژان*، *نکتا* و *شوکا*، شفاف تلقی می‌شود اما در انطباق با رسم الخط فارسی، صورت جدیدی از این نام‌ها نمود یافته که در تعارض با سنت نام‌گذاری جلوه می‌کند.

در نام‌های ترکیبی نیز که مرکب از دو جزء می‌باشد تفاوت‌هایی مشاهده شد. به نمونه‌هایی از داده‌های ترکیبی در جامعه نمونه توجه کنید:

غزل ناز (ر: عربی + فارسی) - آلاگل، آی سا، آی گل، آی ناز (ر: ترکی + فارسی) - المیرا، نارملا (ر: ترکی + فارسی) - آتاناز (ر: ترکی + ترکی) - تیارا (کردی + فارسی) - پریاس (فارسی + فارسی)

اگر نخست از منظر ریشه شناختی به نام‌های فوق نگاه شود در می‌یابیم که گرایش معمول نام‌های ترکیبی از دو نام با ریشه ایرانی مانند *مه‌رنوش*، *دلارامو ماهگل* جای خود را به نام‌های ترکیبی با یک ریشه ترکی و کردی در نمونه‌های *آلاگل و المیرا* و دو ریشه ترکی مانند *آتاناز* داده است. آنچه که اولمان (۱۹۶۲) در خصوص شفافیت نام‌های مرکب در قیاس با نام‌های بسیط عنوان می‌کند در نمونه‌های فوق به سبب خوانش شفاف ریشه فارسی کلمه مشاهده می‌شود اما به نظر می‌رسد در قیاس با نام‌های ترکیبی متداول، نام‌های ترکیبی متأخر به سبب وام‌گیری واژگانی از زبان‌های ناشناس مانند ترکی و کردی برای گویشور بومی فارسی زبان، متفاوت و به تبع آن جدید باشد. گرایش به نام‌گزینی از زبان‌های دیگر در جامعه نمونه فراتر از نام‌های ترکیبی عمل می‌کند. به نمونه وام - نام‌ها توجه کنید:

کردی: *نشمیل* (م: زیبا) - *رژان* (م: روزها) - *دائره* (م: گل) - *هوراز* (م: دوست)  
 مازنی: *ناریکا* (م: دختر مهربان) - *روجا* (م: ستاره صبح) - *تی تی سا* (م: مانند شکوفه)  
 عبری: *یارین* (م: خوشحالی) - *لیا* (م: جاودانه) - *فاران* (م: کوه)  
 یونانی: *هلیا* (م: خورشید) - *هیلدا* (م: نیرومند) - *مایا* (م: روح)

انتخاب نام‌هایی با ریشه چندملیتی نیز گواه گرایش والدین نامگذار به نام‌های فراملی است. *نیکه*، *سوزان*، *بارلی*، *السا* و *ملیکا*<sup>۱</sup> نمونه‌هایی از این دست است که در جامعه نمونه مشاهده شد. تفاوت در وام - نام‌های جدید با وام - نام‌های متداول را می‌توان با لحاظ رابطه ریشه شناختی نام - وام‌ها و میزان شفافیت بررسی کرد. عبدی (۱۳۷۶) وام - نام‌های رایج را عمدتاً مأخوذ از ریشه عربی و فارسی باستان می‌داند این در حالی است که در جامعه نمونه، غالب وام - نام‌ها برگرفته از ریشه ترکی، کردی، مازنی، گیلکی، فرانسه، روسی و زبان‌های دیگر بود. بدیهی است که وام - نام‌های جدید به لحاظ صوری و معنایی در جامعه ایران معاصر تیره محسوب می‌شود و از این رو متفاوت و بدیع جلوه می‌کند. تظاهر جای - نام‌های *ویونا*، *نیلا*، *شیلر*، *پارنا* و *سارال*<sup>۲</sup> برای دختران در جامعه نمونه تحقیق بیانگر توجه افراطی والدین به انتخاب صورت‌های نوظهور و متفاوت است. مدرن سازی نام به نام‌های مذهبی نیز سرایت کرده و نام‌های جدید مذهبی از شیوه معمول فاصله گرفته‌اند. نام‌های *تکتم* (نام مادر بزرگوار امام رضا (ع))، *فاطمه*، *ساره* و *راحیل* در کنار نام‌های مرتبط مانند ستایش و نیایش تناوب‌های مطرح در این حوزه محسوب می‌شوند. الگوی نام‌های ترکیبی نیز از ترکیب نام (عربی + نام عربی) به ترکیب نام (عربی + فارسی) یا (فارسی + عربی) گرایش داشته است. این گرایش در راستای به‌روز کردن نام‌ها در نمونه‌های *فاطمه ثنا*، *فاطمه حسنا*، *یاسمین فاطمه*، *نازنین زهرا* و *زهرا ناز مشهود* است.

۱. نام «السا» در زبان‌های آلمانی، عبری، یونانی، انگلیسی، اسپانیایی، سوئدی و فارسی و نام «ملیکا» در زبان‌های ترکی، یونانی، عربی و ایرانی به کار می‌رود.

۲. به ترتیب، روستایی در نزدیکی کاشان، مکانی در اطراف ساری، ناحیه کردنشین در مرز ایران و عراق، نام قلعه‌ای در نزدیکی پل دختر و روستایی در نزدیکی سنج است.



تنوع در شیوه نامگذاری در گروه پسران به اندازه گروه دختران مشهود نبود. به نمونه‌هایی از این گروه توجه کنید:

آرتوش (نام ارمنی) - فرشیم (شکوه) - مرداس (پدر ضحاک) - تکین (م: دلاور، ر: ترکی)، دامون (نام ایرانی)

هژبر (شیر) - توماج (چرم رنگین) / آراز (م: نام کوه، ر: کردی) - آرشام (خرس) - هیشنگ (هوشنگ) در قیاس با نام‌های دختران، نام‌های فوق نیز همگی به لحاظ صوری، آوایی، معنایی و ریشه شناختی تیره هستند. در این گروه نیز اصل انتخاب نام با معنای نیک در برخی نام‌ها لحاظ نشده است. برای نمونه، نام‌های توماج، آرشام و مرداس فاقد معنای متداعی مثبت است. ریشه نام‌ها نیز عمدتاً کردی، ترکی و فارسی باستان است.

اما مهم‌ترین وجه افتراق نام پسران با نام دختران، تفوق نام‌های ترکیبی بر نام‌های بسیط است. منصوری (۱۳۸۹) نیز گرایش والدین دختر را به انتخاب نام‌هایی با هجای کوتاه و نام‌های ترکیبی با هجای بلند را برای پسران عنوان می‌کند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

جانیار - پوریار - کیاراد - هوفر - آریا گیو - کیان پاشا  
مهربرزین - مهرسام - مهرتاش - هورتاش - دادمهر - هور مزد  
سام رضا - کیوان دانیال

به لحاظ ریشه شناختی، نام‌های غیر مذهبی در پسران، بیشتر ماخوذ از فارسی اصیل هستند هر چند در نمونه‌های مهرتاش و هورتاش، تاش ترکی است. نام‌های بین‌المللی نیز تنها در دو نمونه سام رضا و کیوان دانیال<sup>۲</sup> مشاهده شد.

طیب و علی نژاد (۸۲) و نجاتی حسینی و افشار (۸۸) گرایش به انتخاب نام‌های مذهبی را برای پسران، بیشتر از دختران گزارش کرده‌اند. طیب و علی نژاد (۸۲) با ارائه فهرست پر بسامدترین نام‌ها، شانزده نام مذهبی را در میان بیست و یک نام اول فهرست معرفی کردند. در جامعه نمونه این تحقیق نیز نام‌های مذهبی به وفور مشاهده شد اما آنچه که این نام‌ها را از تناوب‌های موجود پیشینشان متمایز می‌کند گرایش آشکار والدین به مدرن‌سازی نام مذهبی است. با توجه به نمونه‌های باذر - ارشاد - مائد - ایثار - ماجد - مهرباب - مجیب در می‌یابیم نام‌های بسیط مذهبی پسرانه از نام‌های معمول و پرکاربرد گذشته مانند عباس، جواد، مصطفی و محمود به نام‌های مذهبی جدید تبدیل شده است. به عبارتی در نام‌های مذهبی پسرانه نیز حرکت از قطب مذهبی سنتی به مذهبی مدرن محسوس می‌نماید. این گرایش آشکار در نام‌های ترکیبی مذهبی مشخص‌تر است. طبق اظهار میر خلیل زاده ارشادی (۷۲) و طیب و علی نژاد (۸۲) نام‌های ترکیبی با جزء محمد مانند محمد حسین - محمد جواد - محمد علی بالاترین درصد وقوع را داشته است. داده‌های جامعه نمونه پسران نیز مؤید این نتیجه است. به برخی از نمونه‌ها توجه کنید:

1. Sam Reza  
2. Kevin Daniel

محمد متین - محمد آیین - محمد زاهد - محمد پارسا

محمد ماهان - محمد سام - محمد برزین - محمد آریا

امیر طاها - امیر پارسا - امیر کسری - امیر کیان - امیر یل

در برخی از نمونه‌های ترکیبی فوق برخلاف نام‌های ترکیبی معمول، یک جزء مأخوذ از ریشه فارسی مشاهده شد مانند محمد سام و امیر یل. گرایش در به‌روز کردن نام در جایگزینی تناوب/امیر با علی آشکار بود لذا در جامعه نمونه نام علیرضا برخلاف نام امیررضا مشاهده نشد. نمونه‌های فوق نیز غلبه تناوب/امیر بر علی را در داده‌ها نشان می‌دهد. مدرن سازی نام در پسران به تغییر تناوب را نشان می‌دهد.

حال به تبیین نتایج این تحقیق در چارچوب نظری کستاکیز (۲۰۱۰) می‌پردازیم. در مجموع، نتایج حاکی از گرایش والدین به انتخاب نام نوظهور، منحصر به فرد و تیره برای فرزندان است اگرچه این گرایش در نام‌های دخترانه مشهودتر است و از امکانات بیشتری برای نمود متفاوت نام دختران بهره گرفته شده است. نام‌های مذهبی نیز از این گرایش غالب نامگذاری مصون نمانده است. به اعتقاد کستاکیز (۲۰۱۰) جوامع بسته به سنت‌های زبانی - اجتماعی خود وفادار می‌مانند در حالی که در جوامع در حال گذار و یا باز، هنجارهای غالب اجتماعی و زبانی تعدیل و یا بازتعریف می‌شود. در چنین جامعه‌ای با تنزل الزام وفاداری، الزام نشاننداری غلبه کرده و تناوب‌های زبانی جدید وجهه و اعتبار پیدا می‌کنند. در صورت عملکرد الزام وفاداری، الگوهای زبانی، شفاف و در صورت تفوق الزام نشاننداری، غالباً تیره هستند. تنزل «ه» غیر ملفوظ عربی در برابر زیایی کاربرد الف تانیث فارسی باستان، تناوب جفت کمینه، وام - نام‌ها، انطباق نام‌های عربی با رسم الخط فارسی، تناوب‌های ریشه شناختی غیرمعمول و تغییر در الگوی ترکیب نام‌های ترکیبی به تیرگی صوری، آوایی، معنایی و ریشه شناختی غالب نمونه‌ها منجر شده است. مجموعه این عوامل در سطح زبانی نام‌ها را متفاوت از نام‌های سنتی کرده و در دسته نام‌های نوظهور، مدرن و متفاوت قرار می‌دهد. گرایش والدین جامعه نمونه تحقیق به «نام سازی» بیش از «نام یابی» مشهود بود که البته در گروه نام‌های دختر به مراتب نمود آشکارتری داشت. نام‌یابی، الگوی غالب نامگذاری در جوامع بسته و نام‌سازی، الگوی جوامع در حال گذار و باز است لذا پس از بررسی کیفی ۱۲۰۰ در دو گروه نام دختر و پسر، نگارنده بر خلاف نجاتی حسینی و افشار (۱۳۸۸) بر این باور است که شیوه نام‌گزینی معاصر برای فرزندان در راستای حرکت جامعه معاصر ایران از جامعه‌ای بسته به جامعه‌ای در حال گذار همخوانی دارد. در چنین جامعه‌ای بنابر نمود هویت فردی با فاصله گرفتن از هنجارهای زبانی سنتی تعریف می‌شود. چنین حرکتی را نمی‌توان به پالایش نام‌های فارسی از زبان عربی و یا عرب‌ستیزی جامعه زبانی ایران نسبت داد. نشاننداری تناوب‌های جدید نامگذاری در جامعه نمونه تحقیق صرفاً می‌تواند بیانگر گذار از شیوه‌های سنتی نام‌یابی تلقی شود.

### نتیجه‌گیری

آنچه در قالب نام سازی یا ظهور و گسترش نام‌های نوظهور و مدرن مطرح است در این تحقیق در قالب رویکرد کستاکیز (۲۰۱۰) بررسی و تحلیل کیفی شد. گرایش به مدرن سازی نام در نام‌های مذهبی نیز

به‌خصوص در نام‌های مذهبی پسران مشهود بود. نام‌های بسیط با لحاظ صورت آوایی، معنایی و ریشه شناختی غالباً تیره بودند. نام‌های ترکیبی نیز از الگوی به‌هنجار سنتی تبعیت نمی‌کرد. تفوق نام‌های مدرن بر نام‌های سنتی در راستای حرکت جامعه بسته به باز ارزیابی می‌شود. نتایج بیانگر آن است که گرایش به فردگرایی در جامعه معاصر ایران با انتخاب نام‌های نوظهور و تیره برای کودکان ایرانی همخوانی دارد. زیایی تناوب احیاء شده «الف تانیث فارسی باستان»، جفت کمینه، انطباق نام‌های عربی با رسم الخط فارسی، قرض‌گیری واژگانی از زبان‌های غیرعربی، دگردیسی در نام‌های ترکیبی و گرایش به نام‌سازی‌های نامتعارف مؤید تنزل الزام وفاداری نسبت به الزام پیش‌رونده نشاننداری در حوزه نامگذاری کودک محسوب می‌شود. حال اگر گرایش به مدرن‌سازی نام در جامعه زبانی تثبیت شود همان‌طور که کستاکیز (۲۰۱۰) در رویکرد نشانه‌ای عنوان می‌کند تناوب جدید به تناوب پایدار بلندمدت و در نهایت تغییر در الگوی نام‌گذاری خواهد انجامید. اما در حال حاضر تناوب‌های جدید نام‌سازی را صرفاً می‌توان تناوب نشاندار تلقی کرد.

## منابع

- بخشوده، ابراهیم (۱۳۷۹)، فرهنگ نامگذاری، تهران: انتشارات محقق.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، تحلیل اجتماعی نام‌گذاری، تهران: نشر روش.
- جانستن، باربارا (۱۳۹۱)، روش‌های پژوهش کیفی در زبان‌شناسی اجتماعی، ترجمه طاهره احمدپور، رفسنجان: دانشگاه ولیعصر رفسنجان.
- طیب، محمد تقی و علی نژاد، بتول (۱۳۸۲)، بررسی گرایش‌های جدید نامگذاری در اصفهان از دیدگاه زبان‌شناسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۳۳-۳۲، صص ۵۸-۲۳.
- عبدی، عباس (۱۳۷۶)، تحول نامگذاری کودکان تهرانی، تهران: نشر خانه.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۹)، تحلیل بسامدی هجا در اسامی زنان و مردان در ایران، پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال دوم، شماره اول، صص ۵۱-۲۳.
- میرخلیل‌زاده ارشادی، بابک (۱۳۷۲)، مقایسه تنوع نام‌های زنان و مردان ایرانی، مجله زبان‌شناسی، سال دهم، شماره دوم، صص ۲۸-۱۲.
- نجاتی حسینی، محمود و افشار، سمیه (۱۳۸۸)، تحول نامگذاری فرزندان در شهر تهران، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، سال سوم، صص ۱۵۸-۱۴۱.
- Alego, J (1992). Onomastics. Oxford: Oxford University Press.
- Chambers, J. K. (2006). Sociolinguistic theory: linguistic variation and its social significance. Malden: Blackwell Publishers.
- Coates, R. (1999). Onomastics. London: Longman.

- Fryer, R. and Levitt S. (2012). The causes and consequences of distinctively black names. Stanford: Stanford University Press.
- Gureckis, T. M. and R. L. Goldstone (2009). "How you name your child: understanding of the relationship between individual decision making and collective outcomes". Topics in the cognitive science. 1:651-674.
- Hymes, D. (1974). Foundations in sociolinguistics: An ethnographic approach. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Kostakis, A. (2010). Vestige theory: Sociolinguistic evidence for output-output constraints. *Lingua*. 120 (10):2476-2494.
- Labov, W. (2001). Principles of linguistic change: Social factors. Malden: Blackwell Publishers.
- Ullmann, S. (1962). Semantics. Oxford: Basil Blackwell.